

سایه‌های اسطوره در سویه‌های تاریخ نگار

• مرضیه سلیمانی

اسطوره معمولاً داستان کهن از رویدادهای به ظاهر تاریخی است که هدف آن، آشکارسازی گوشه‌ای از دیدگاه جهانی یک ملت یا تبیین یک رسم، باور یا پدیده‌ای طبیعی است. تعبیر و تفسیر اسطوره‌ها نیز در حوزه اساطیرشناسی است که در آن، سخن از تاریخ اسطوره‌های خدایان و تفسیر و توضیح مجموعه اساطیری است که به خدایان، نیم خدایان و قهرمانان افسانه‌ای می‌پردازند و معمولاً متضمن عناصر فوق طبیعی‌اند.^۱ درباره منشأ اسطوره‌ها سه نظریه وجود دارد:

- ۱- نظریه طبیعت؛ که اسطوره‌ها را زاینده کوشش بشر ابتدایی برای تبیین پدیده‌های طبیعی می‌داند.
- ۲- نظریه روان کاوی؛ که بر اساس آن اسطوره‌ها نمادی از نمادهای عینی کشمکش‌های جنسی یا عاطفی‌اند.
- ۳- نظریه مردم‌شناسی؛ که معتقد است اسطوره‌ها به منظور روایت، تثبیت، تدوین، توجیه و تحکیم آداب و رسوم ابتدایی، آیین‌های عبادی و ارزش‌های مذهبی و اخلاقی پدید آمده‌اند. بر طبق این نظریه، اسطوره روایت احیای واقعیت‌های باستانی است که برای ارضای خواست‌های عمیق مذهبی، آرمان‌های اخلاقی، سازگاری اجتماعی و حتی نیازهای واقعی بشر بازگو می‌شود. اسطوره کارایی مناسب مذهبی را تضمین می‌کند و حاوی احکام سودمندی برای راهنمایی بشر است.

به‌طور کلی اسطوره‌ها که افسانه‌های به‌ظاهر تاریخی و مجهول‌المؤلف‌اند، ریشه در ذهن مردمان ماقبل تاریخ دارند. در مجموعه این اسطوره‌ها داستان پیدایش جهان، آفرینش نوع بشر، جشن‌ها و ضیافت‌های خدایان یا قهرمانان، یا تراژدی‌های خانواده‌های کهن روایت می‌شوند. در واقع سه موضوع خدا، عالم و آخرت مورد بحث اساطیر است. اسطوره‌ها برای ادراک و ذهنیت ابتدایی به تبیین و توضیح پدیده‌های طبیعی می‌پردازند اما از میانه سده نوزده با افزایش دانش علمی، این نقش کم‌رنگ‌تر شد تا امروز که اسطوره‌ها صرفاً داستان‌های تخیلی شناخته می‌شوند.^۲

در یونان باستان، واژه اسطوره^۳ برای نامیدن هرگونه قصه و حکایتی به کار می‌رفت، خواه واقعی و خواه خیالی. اما در حال حاضر، اسطوره به مجموعه‌ای از داستان‌ها و حکایات قدیمی و خیالی اطلاق می‌شود که زمانی مردمی خاص آن را واقعی می‌پنداشته‌اند. این داستان‌ها، اغلب توجیه و پاسخی بوده‌اند به سؤالات بی‌شمار مردمان باستان در باب چگونگی پیدایش عالم و قوانین موجود در طبیعت. و باید افزود که اشکال متعددی



■ **Mythistory: The Making Of Modern Historiography**

■ **Author: Joseph Mali**

■ **Publisher: University of Chicago press**

■ **Language: English / 328 Pagas**

کوچک‌ترین واحد آوایی در زبان است، اسطوراج نیز واحد ساختمانی اسطوره و کوچک‌ترین جزء تشکیل دهنده آن به شمار می‌رود. یعنی اگر داستان اسطوره‌ای را پیاپی به بخش‌های ساده‌تر و کوچک‌تر تقسیم کنیم، سرانجام به عبارتی می‌رسیم که تجزیه فراتر آن دیگر عملی نخواهد بود زیرا با این کار چیزی از داستان نخواهد ماند.

چنین عبارت تجزیه‌ناپذیری اسطوراج خواهد بود.^۸ برخی پژوهشگران نیز معتقدند که هر یک از مکاتب اسطوره‌شناسی به یک جنبه اساطیر می‌پردازد و از یک دیدگاه ویژه به آن نگاه می‌کند و... تلفیقی از این تئوری‌ها در مورد اساطیر، نظری از همه محتاطانه‌تر است. به گمان آنان اساطیر آن نیست که فقط فروید و یونگ می‌گویند. مثلاً ما مکتب اسطوره و آیین را داریم. مکتب فرانسوی اسطوره و رابطه آن با علوم اجتماعی را داریم که مالتیوفسکی نماینده آن است. مکتب پان بایلیسم^۹ یعنی طرفداران بابل‌شناسی را داشته‌ایم که فکر می‌کرد تمام اساطیر و آیین‌های ملل مختلف از بین‌النهرین سرچشمه می‌گیرد یا مکاتبی که معتقد بودند همه اساطیر از مصر آمده‌اند. همچنین نظر محققانی مثل کریمر، اوپنهایم، دومزیل، الیاده و دیگران هم هست.^{۱۰}

پیوند اسطوره و تاریخ

حوادثی که در اسطوره نقل می‌شود، همچون داستان واقعی تلقی می‌گردد زیرا به واقعیت‌ها برگشت داده می‌شود و همیشه منطقی را دنبال می‌کند. اسطوره گاه به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند اما آن چه در این روایت‌ها مهم است، صحت تاریخی آن‌ها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها دربردارد. اسطوره‌های نیمه‌تاریخی اما، عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنین شرح کارهای فوق‌العاده‌ای که به دست آدمیان زورمند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب درآمده‌اند. از این نظر، اسطوره هم با حکایت‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود متفاوت است و هم با افسانه‌ها.^{۱۱}

درحقیقت، اساطیر چنان با تاریخ آمیختنی است که حتی در دوران تاریخ احوال کسانی چون اسکندر، شارلمانی، سلطان محمود، شاه‌عباس و ناپلئون که گاه در روایات عامه در درون هاله‌ای از اساطیر پنهان و مبهم می‌شود. شناخت اساطیر از تاریخی در ادوار قبل از تاریخ البته دشوارتر است، اما قسمتی از اسباب و علل پیدایش اساطیر را در ادوار تاریخی نیز می‌توان یافت. تفاوت اساطیر با قصه‌های عادی در این است که راویان، آن‌ها را برخلاف قصه‌های عادی راست می‌پندارند و گویی گمان راویان قدیم آن‌ها برین بوده که آن چه در آن روایات هست، واقعاً روی داده. و همین نکته است که آن‌ها را بیشتر در مقوله روایات تاریخی وارد می‌کند تا قصه، تمثیل با رمز. وانگهی اساطیر بیشتر جنبه توجیهی دارند، یعنی به قصد توجیه حادثه‌ای، اعتقادی یا رسمی به وجود آمده‌اند.

برخی کوشیده‌اند که اساطیر را تأویل کنند؛ اما این تأویل چنان خیال‌انگیز، شاعرانه و فردی بوده که آن را از حیثه تاریخ خارج می‌سازد. می‌توان گفت اساطیر - مخصوصاً در آن چه به آغاز تاریخ اقوام مربوط است - نقش و تأثیری پیچیده‌تر دارد. به عبارت بهتر، وجود انواع اساطیر، سپیده‌دم تمام تاریخ انسانیت را ابرآلود کرده است و حتی تیرگی و ابهام آن هنوز هم در

از داستان‌های اسطوره‌ای وجود دارد که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از:
۱- اساطیری که با شروع عالم مرتبطند و سعی دارند توجیه و تصویری قابل قبول از پیدایش جهان ارائه دهند.

۲- اسطوره‌هایی که به پایان جهان و نابودی آن می‌پردازند و به طرق متعدد در صدد ترسیم کامل‌تر آن هستند.

۳- اساطیر مربوط به عنصر زمان و ابدیت که دوره‌های گوناگون در عالم را ارائه می‌کنند.

۴- اساطیر مرتبط با احیاء و تولد مجدد هستی که درواقع چرخه متناوب حیات و مرگ را بیان می‌کنند.

۵- اساطیر نمایشگر موجودات خارق‌العاده و خدایان خیالی.

۶- اساطیر بیانگر احوالات سلاطین و انسان‌های بزرگ.^{۱۲}

*** **

میان تاریخ و اسطوره مرز مشخصی نیست و این خود، نشانه‌ای از دویارگی جان آدمی است که از دیرباز میان پندار و واقعیت آواره است. نیمی از روان ما آگاه و روشن و واقع‌گراست و با معیار تجربه و منطق، حقیقت می‌جوید و شایسته تاریخ است و نیم دیگر جانمان ناآگاه و تاریک و وهم‌گراست و در پناه پندار و جادو، رویا می‌خواهد و فریفته اسطوره است. از این روست که گاه گذشتگان ایزد واژه‌ها را از مفاک تاریک اساطیر درآورده، با پالودن نشان از هر چیز وهمناک و مینوی، از آنان پهلوان و جبار ساخته‌اند و گاه یل و دشمنش را از تاریخ دور رانده، بر منبای نگاره‌های باستانی اسطوره‌ای، از آنان خدا و دیو آفریده‌اند. این مشکل بوده و هست و آن چه در ضمن پژوهش‌های مربوط به اسطوره و حماسه آن را دوچندان می‌کند، عبارت است از دخالت عاملی دیگر یعنی گرایش ذهن پژوهشگر که گاه واقع‌گرا و تاریخ‌پرداز است و هر افسانه‌ای را روایتی مغشوش از تاریخ می‌پندارد و گاه وهم‌گرا و اسطوره‌ساز است و هر گزارش حماسی - تاریخی را بازگویی منطقی شده افسانه تفسیر می‌کند.^{۱۳}

یونگ بر این باور است که مطالب و موارد اسطوره‌ها در ناخودآگاه جمعی نژادی نهفته‌اند و شباهت گسترده اسطوره‌ها به یکدیگر بیانگر میراثی مشترک است.^{۱۴}

از سوی دیگر، کلود لوی اشتراوس - انسان‌شناس فرانسوی - که اصطلاح اسطوراج^{۱۵} را باب کرده، اسطوره را به‌مثابه زبان می‌داند زیرا همان طور که ساختار زبان در ناخودآگاه متکلمین به آن زبان رسوخ کرده، اسطوره‌ها نیز، به عقیده اشتراوس، از یک ساختار زیربنایی برخوردارند که در صورت ظاهرشان منعکس نیست و راویان اساطیر نیز از آن بی‌خبرند. وظیفه پژوهشگری که به تحلیل اساطیر می‌پردازد، یافتن این ساختار زیربنایی است. هر اسطوره بخشی از یک نظام یا دستگاه کلی است و معنای آن از رابطه‌ای که با این دستگاه دارد، مستفاد می‌شود. همان تفاوتی که سوسور در زبان‌شناسی میان زبان و گفتار قابل است، و از نظر لوی اشتراوس میان نظام کلی اساطیر و روایت‌های منفرد اسطوره برقرار است. وقتی راوی اسطوره‌ای را نقل می‌کند، این گفتار او به اسطوره هستی و معنا می‌بخشد ولی این معنا تنها در صورتی قابل درک می‌شود که زبان اسطوره را در کلیتش در نظر بگیریم.

اما اشتراوس اصطلاح اسطوراج را با توجه به تشابهی که میان اسطوره و زبان می‌دید، برگزید زیرا همان طور که در زبان‌شناسی «واج» به معنی

نگاه اول اسطوره و تاریخ دو مقوله متضاد به نظر می‌رسند. مسلماً آن‌ها هر دو حکایت هستند، یعنی قرار گرفتن رویدادها در داستان‌های واحد و یکپارچه که می‌توان آن‌ها را باز گفت. اما اسطوره حکایت خاستگاه‌ها و ریشه‌هاست که در زمانی ازلی اتفاق افتاده‌اند، زمانی غیر از زمان واقعی روزمره. اما تاریخ حکایت وقایع اخیر است که به تدریج تا بدانجا گسترده شده‌اند که وقایع گذشته را نیز در بر گرفته‌اند اما با وجود این در زمان قابل محاسبه انسانی قرار گرفته‌اند.^{۴۱}

میتیسستوری، در حقیقت درهم‌آمیزی اسطوره تاریخ و یافتن فصلی مشترک برای آن‌هاست. از این منظر، میتیسستوری در تاریخ‌نگاری نقشی مهم ایفا می‌کند. فی‌الواقع یکی از بنیان‌های تاریخ‌نگاری جدید همین میتیسستوری یا تکیه بر قماش درهم باف اسطوره - تاریخ است. زمانی تاریخ‌نویسی یونانی به نام یوهامروس^{۴۱} (قرن سوم ق. م) کتابی با نام تاریخ مقدس نگاشت و در آن جا عنوان کرد که خدایان یونان باستان در اصل فرمانروایان و پهلوانانی بوده‌اند که چون کارهای قهرمانی و عجیب انجام داده‌اند، در ذهن مردم جنبه خدایی یافته‌اند. بر این اساس، اگرچه مفهوم میتیسستوری به تازگی در محافل روشنفکری و در میان مورخان جدید مورد توجه قرار گرفته؛ از روزگاران کهن در اندیشه تاریخ‌نگاران وجود داشته و این حاکی از پیوند نزدیک تاریخ و اسطوره است. پیوندی که گاه چنان عمیق است که تفکیک این دو از یکدیگر را دشوار می‌سازد.

اکنون انتشارات دانشگاه شیکاگو کتابی مهم و نسبتاً مفصل را در همین زمینه به چاپ رسانده؛ اسطوره - تاریخ: بر ساختن یک تاریخ‌نگاری مدرن عنوان کتابی است که ژوزف مالی در ۳۲۸ صفحه تألیف کرده است. او استاد دانشگاه در رشته تاریخ است و طی سال‌های اخیر سه کتاب دیگر را نیز با عناوین زیر منتشر ساخته است:

- توان بخشی اسطوره: علم جدید ویکو (۲۰۰۲)

- انجیل مسیحی و ریشه‌های یهودی آن: مطالعه انتقادی انجیل مرقس (۲۰۰۹)

- آیزایا برلین و پاد - روشنگری او، با همکاری روبرت وکلر (۲۰۰۳)
مالی کتاب خویش را در هفت فصل، یک مقدمه، مجموعه‌ای از یادداشت‌ها و یک نمایه عمومی تنظیم کرده است و آن گونه که لوئیس ب و ویلیامز - استاد دانشگاه دولتی کانکتیکات - می‌گوید، تنها به دلیل عنوانی که برای آن برگزیده و بر استفاده از اسطوره در تاریخ‌نگاری دلالت می‌کند، از سوی مورخان مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. کتاب مالی البته پیچیده و بسیار پرمعناست. او نه تنها ساختارهای یک «تاریخ‌نگاری جابگزین» را به دست



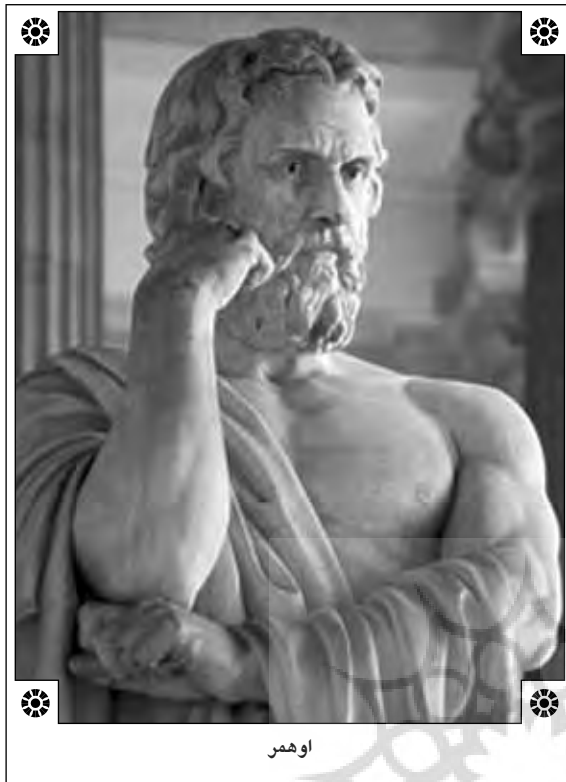
تیتوس لیویوس

افق تاریخ باقی است.^{۴۱}

اسطوره - تاریخ چیست؟

اسطوره - تاریخ یا میتیسستوری^{۴۱} مفهومی است که در فرایند توصیف قدرت و اهمیت حکایات و ارجاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ حکایاتی که با بصیرت‌های فراتاریخی خود ما ادغام شده و هویت‌ها و تصاویر جمعی را بر می‌سازد. نمونه‌ای از این فرایند، تاریخ تکوین و توسعه کشور کانادا است که بر اساس مجموعه‌ای از داستان‌ها و نمادها - از جمله فضای بومی، قهرمانی سازندگان، آیین‌ها و فرقه‌های مربوط به اسکاندیناوی، تفوق آنگلساکسون‌ها و... پی ریخته شده. همین امر در خصوص سایر مباحث تاریخی نیز صادق است. به‌ویژه در شکل‌گیری فرهنگ‌ها و کشورها، اسطوره - تاریخ چنان در هم آمیخته که گاه نمادهای اساطیری شالوده یک تاریخ رسمی را تشکیل می‌دهند. آن گونه که پل ریکور می‌گوید، در

اشتراوس اسطوره را به‌مثابه زبان می‌داند زیرا همان طور که ساختار زبان در ناخودآگاه متکلمین به آن زبان رسوخ کرده، اسطوره‌ها نیز از یک ساختار زیربنایی برخوردارند که در صورت ظاهرشان منعکس نیست و راویان اساطیر نیز از آن بی‌خبرند



اوهمر

می‌دهد، بلکه در مواجهه با فعل «مدرن» تاریخ، امکانات و احتمالات جالبی پیش رو قرار داده و در خصوص استفاده از تاریخ در سیاست، به طرح پرسش‌هایی چالش برانگیز مبادرت می‌ورزد.

شاید بتوان گفت نقطه مرکزی و محور اصلی کتاب، بازیافت و بازتأویل نظرات آن دسته از مورخان است که ارزش اسطوره در تاریخ را به رسمیت شناخته‌اند.

از نظر مالی، تاریخ‌نگاری تنها داستان پیشرفت از اسطوره به علم نیست بلکه بسی بیش از آن، تاریخ‌نگاری حرکتی آغازین به سوی یک دیدگاه پوزیتیویستی است که با کسانی همچون هرودت، لیوی^{۶۱} و ماکیاولی آغاز شد و با کسانی مثل ویکو^{۶۲} و ژوله میشله^{۶۳} به اسطوره بازمی‌گردد. این بازگشت، در آثار اسطوره - تاریخ‌دانانی^{۶۴} مثل یاکوب بورکههارت^{۶۵}، اکی واربورگ^{۶۶}، ارنست کانتوروویس^{۶۷} و والتر بنیامین^{۶۸} به ترکیب اسطوره و تاریخ منجر می‌گردد.

با این اشاره، نویسنده فصل اول کتاب خویش را با این عنوان آغاز می‌کند: «جایی که اصطلاحات آغاز می‌شوند: اسطوره، تاریخ و اسطوره - تاریخ. این فصل ۳۵ صفحه است و طی آن مالی توضیح می‌دهد که میتیستوری (اسطوره - تاریخ)، معادل و هم‌تراز زیبایی‌شناسی مدرنیسم است که «اسطوره را به مثابه نظم آغازین در تاریخ و در زندگی بشر به رسمیت می‌شناسد» (ص ۱۱). مدرنیست‌ها با رها کردن مفاهیم تجدطلبانه تاریخ به این دریافت رسیدند؛ مفاهیمی که بر این پیش‌فرض استوار شده بود که هر چه که به لحاظ تاریخی قدیمی‌تر است، ابتدایی و غیرعقلانی نیز هست (ص ۱۲). این دیدگاه تمامی اسطوره‌ها، از تمامی اعصار را برابر، قابل فهم و مفید می‌پنداشت. اما اسطوره، تاریخ‌دانان این شیوه را جهت تفسیر نقادانه اسطوره مورد استفاده قرار دادند.

اسطوره‌ها - به‌مثابه مجموعه عقاید یک گروه از مردم - مدخلی رو به جهان‌بینی‌های مختلف را در اختیار مورخان قرار می‌دهند. این ورودی به خود انگاره‌ها، ترس‌ها و امیدهای همه اعضای یک جامعه - اعضای عادی و نخبگان - راه می‌یابد. برای یک اسطوره - تاریخ‌دان علیت باور مثل بنیامین، اسطوره‌ها در عین حال از شرایط عادی است پرده بر می‌دارند که خود الهام‌بخش خلق آن‌ها بوده‌اند. علاوه بر آن، به واسطه گونه‌ای آگاهی از تداوم اسطوره‌های کهن در اعمال مدرن، اسطوره‌ها به افراد مدرن یاری می‌رسانند که خویشتن را بهتر بشناسند. در واقع، بر اساس نظرات ویکو و بورکههارت، اسطوره‌ها مورخان را قادر می‌سازند که به «حقیقت» نزدیک شوند و به «حدودی از یقین» دست یابند (ص ۱۲۴). و این بسی بهتر از

دیگر واقعیات تاریخی است که صرفاً محصول ذهن بشری هستند. در جای دیگر مالی عنوان می‌کند که علی‌رغم همه این امتیازات، اغلب اسطوره - تاریخ‌دانان، عمیقاً نسبت به سوء استفاده از اسطوره و تاریخ برای اهداف سیاسی آگاهی دارند. شوربختانه اما، نه آن‌ها و نه نویسنده کتاب - ژوزف مالی - به قدر کفایت توضیح نمی‌دهند که علت وقوع این سوءاستفاده‌ها چیست؟ مالی البته در خصوص آراء - بالقوه یا بالفعل - خطرناک متفکرانی مثل ماکیاولی، نیچه، و ناسیونال سوسیالیست‌هایی مثل «تورماتیک‌ها» توضیح می‌دهد. همانان که با تسلیم محض به اسطوره، به جای آن که به خلق اسطوره - تاریخ بپردازند؛ تاریخ اسطوره‌ای را بر ساختند (ص ۲۲۷). و از «امپریالیست‌های هنرشناسی» سخن می‌گوید که «اسطوره را به تصرف خویش درآورده‌اند» (ص ۲۷۶) و در جهت مقاصد سیاسی خویش دوباره فعالش نموده‌اند. اما وجه تمایز این افراد از اسطوره - تاریخ‌دانانی مثل بنیامین به درستی

اسطوره‌های نیمه‌تاریخی عبارت است از تحول و تکامل حوادث و وقایع ابتدایی و همچنین شرح کارهای فوق‌العاده‌ای که به دست آدمیان زورمند انجام گرفته و اندک اندک شاخ و برگ یافته و به صورت داستان‌هایی پر از عجایب و غرایب درآمده‌اند

سوبه‌های تاریخ‌نگاری

اسطوره گاه به ظاهر، حوادث تاریخی را روایت می‌کند اما آن چه در این روایت‌ها مهم است، صحت تاریخی آن‌ها نیست بلکه مفهومی است که شرح این داستان‌ها برای معتقدان آن‌ها دربردارد

غربی وارد کرد. میشله، ویکو را یگانه استاد خویش می‌نامید و آثار وی را به زبان فرانسه ترجمه می‌کرد. او به تبع استاد خویش معتقد بود که ما می‌توانیم تاریخ را درک کنیم، زیرا تاریخ بر ساخته انسان‌هاست.

اما نویسنده کتاب، در مورد ویکو (۱۶۶۸ - ۱۷۴۴) نظرات او پیرامون ماهیت شناخت تاریخی و ارتباط بررسی تاریخ و خودشناسی را به تفصیل بازگفته و دیدگاه ساختارگرایانه او را باز می‌نماید. ویکو می‌گوید مردم از طریق اسطوره‌ها که آن‌ها را حقایق ادبی فرض می‌کنند، تلاش می‌کنند تا جهانشان را تشریح کنند. اسطوره‌ها زیربنای زبانشان، نهادهايشان، قوانین و آرمان‌هايشان را تشکیل می‌دهد.^{۵۲}

فصل سوم با عنوان «یاکوب بورکهارت: اسطوره - تاریخدان» ۴۲ صفحه است و یکسره به بورکهارت اختصاص یافته. بورکهارت، در کنار ژان ژورس، نیروی تخیل را در تاریخ‌نگاری دخالت می‌داد. او تا هنگام مرگ در سال ۱۸۹۷، بر فرهنگ اشرافی بال (در سوییس) ریاست داشت و به گفته ماینکه «از هر متفکر دیگر عصر خویش روشن‌بین‌تر بود و بارها درباره خودکامگی‌های آینده هشدار داده بود.» بورکهارت بارها در آثار خویش عنوان کرده بود که از ساده‌اندیشان و ساده‌سازان مخوف» در هراس است.^{۵۳}

«ابی وراپورگ: تاریخ به‌مثابه اسطوره‌شناسی کهن» عنوان فصل چهارم کتاب است که در ۵۴ صفحه به آراء و آثار وراپورگ پرداخته است. و در فصل پنجم نقطه مقابل این نظریه یعنی «تاریخ به‌مثابه اسطوره‌شناسی جدید» از سوی ارنست کانترویس مطرح می‌شود. فصل شش یعنی «والتر بنیامین: تاریخ به‌مثابه اسطوره‌شناسی مدرن» ۵۶ صفحه است. والتر بنیامین نظریه‌پرداز بزرگ آلمانی با دیدگاهی کاملاً نو و غافلگیرکننده در مسائل اجتماعی، تاریخ، فلسفه، زیباشناسی و هنر، در نیمه نخست قرن بیستم می‌درخشید. او از دیدگاهی کاملاً روشن و آزاد ما بین نوکانتی‌ها، نئومارکسیست‌ها و لیبرال‌ها سخن می‌گفت اما هیچ‌گاه تعلق مشخص به هیچ یک از این گرایش‌ها نشان نداد. در عرصه نگرش تاریخی و تاریخی‌نگری، او بر این باور بود که تاریخ یک انگاره مجرد و مشخص که بازتابی از واقعیت باشد نیست؛ از این نظر او کاملاً هگلی می‌اندیشید. پنداشت او مؤید این نکته بود که ما تنها می‌توانیم شناختی منحصر به فرد و خصوصی از واقعیت پیرامونی و بیرونی داشته باشیم و این واقعیت می‌باید با انحصاراتی عام که برای همگان همچون نشانه‌ای قابل تشخیص باشد، پذیرفته شود تا به صورت علم درآید و این همان اسطوره مدرن است که در تاریخ تجلی کرده است.

و بالاخره فصل هفت «تاریخ به‌مثابه واقعیت مثالی»^{۵۴}: درسی از جویس»

روشن نیست. او می‌خواست یک اسطوره از یک عدن دموکراتیک و مساوی طلب را در کنش سیاسی جناح‌چپ به کار گیرد. در پایان، مالی نتیجه می‌گیرد که جهت اجتناب از استفاده منفی از اسطوره‌ها و فهم بهتر آن‌ها، انجام همه این کارها ضروری است چرا که «اسطوره‌ها اگر مورد تشخیص و تأیید قرار گیرند، بی‌اثر خواهند شد» (ص ۲۵۲) و بدان علت که مورخان «نه در برابر سنت اسطوره‌ای، که... بر سر آن به مبارزه پردازند» (ص ۲۸۱) تا از پیروزی اسطوره‌های انسان‌باورانه مطمئن شوند. بی‌تردید فراخوانی مالی جهت به رسمیت شناختن اسطوره‌ها، بسیار بهتر از جدی قلمداد کردن آنهاست؛ همان کاری که بسیاری از مورخان در آلمان نازی بدان مبادرت ورزیدند. همچنین این طرح مالی که «مورخان معاصر باید به شرح و بسط اسطوره‌ها روی آورند و نه حذف و محو آنها» (ص ۸)، پیشنهادی مهم و تأمل‌برانگیز است. همان‌گونه که مالی توضیح می‌دهد، چه‌بسا یک اسطوره، تاریخ جدید قادر به حل پرسش‌هایی باشد که بسا مدرنیست‌ها پیرامون احتمال حقیقت تاریخی مطرح می‌کنند. یا کار «مورخان فرهنگی جدید» را - که این چنین مورد ستایش او هستند - تحت حمایت قرار دهد. همچنین این اسطوره - تاریخ می‌تواند مورخان ناسیونالیسم - و ضمناً و ایضاً ناسیونالیست - را به تفسیر پیچیده‌تری از «سنت» رهنمون ساخته و این تفکر را که سنت صرفاً «ابداع» نخچیان جهت کنترل توده‌هاست، به کناری نهد. سرانجام، میتیستوری (اسطوره - تاریخ) شاید بتواند پاسخ یک پرسش کلیدی را نیز به دست دهد: آیا زبردست‌ها سخن می‌گویند؟ مطمئناً سخن خواهد گفت اگر اسطوره‌هايشان از سوی مورخان و از سوی مردمی که آن‌ها را بر ساخته‌اند، جدی قلمداد شود. درحقیقت، هدف اصلی نویسنده در جای جای کتاب آن است که ابتدا به رابطه مهم اسطوره و تاریخ بپردازد، و سپس نقش بنیادین اسطوره در تاریخ‌نگاری و در بر ساختن هویت‌های فردی و جمعی را به نمایش بگذارد. فصل دوم کتاب «جاده ویکو: از لیوی تا میشله» نام دارد. در این جا خواننده با تیتوس لیویوس^{۵۵}، تاریخ‌نگار رومی (ح ۶۴ ق.م - ح ۱۲ میلادی) آشنا می‌شود. سبک نگارش او، مختصات ۳۵ اثر باقی‌مانده از ۱۴۲ اثر وی، و عقیده جالب او در این مورد که رویدادهای تاریخی نباید در قالب اصطلاحات سیاسی تبیین شوند و نباید برای جانبداری از ایدئولوژی‌های سیاسی زمانه مورد استفاده قرار گیرند از نکات جالب این بخش است. در خصوص میشله (۱۷۹۸ - ۱۸۷۴) مالی می‌گوید او نخستین کسی بود که واژه رنسانس را در مورد یک دوره تاریخی خاص به کار برد، نخستین اثر مدرن را درباره جادوگری نوشت و جامباتیستا ویکو را به جریان اصلی تفکر

هدف اصلی نویسنده در جای جای کتاب آن است که ابتدا به رابطه مهم اسطوره و تاریخ بپردازد، و سپس نقش بنیادین اسطوره در تاریخ‌نگاری و در برساختن هویت‌های فردی و جمعی را به نمایش بگذارد

سوبه‌های تاریخ‌نگاری

- فکر روز، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸، صص ۷۰ و ۶۸
۵. سایه‌های شکار شده، بهمن سرکاراتی، نشر قطره، تهران: چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۲۶
۶. واژگان توصیفی ادبیات، همان، ص ۲۱۹
7. mytheme
۸. فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، همان، ص ۶۰
9. Pan Babylonism
۱۰. بهار، مهرداد. از اسطوره تا تاریخ، نشر چشمه، تهران: چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۳۹۶
- و بعد:
۱۱. آموزگار، ژاله. تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، تهران: چاپ اول ۱۳۷۴، ص ۴
۱۲. زرین کوب، عبدالحسین. تاریخ در ترازو، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ سوم ۱۳۷۰، صص ۳۴ و ۳۲
13. Mythistory
۱۴. ریکور، پل. «اسطوره و تاریخ» ترجمه و تلخیص علیرضا رضایت، در: اطلاعات حکمت و معرفت، سال دوم، شماره ۱۲، اسفند ۸۶، ص ۴
15. Euhemerus
16. brudl Lucien levy
17. gambattista vico
18. Jules Michelet
19. Mythistorians
20. Jacob Burekhardt
21. Aby Warburg
22. Ernst kantorowicz
23. Walter Benjamin
24. Titus livius
۲۵. وارینگتن، مارتی هیوز. پنجاه متفکر کلیدی در زمینه تاریخ، ترجمه محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ اول ۱۳۸۶، ص ۵۰۵
۲۶. برای اطلاع بیشتر و جامع‌تر از آرای بورکهارت و زمانه و هم‌عصران وی رجوع کنید به: آگاهی و جامعه، ه. استیوارت هیوز، ترجمه عزت‌الله فولادوند، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران: چاپ اول ۱۳۶۹، صص ۳۸، ۱۳۷، ۱۷۱، ۲۱۷، ۳۶۰؛ راه فروبسته، اندیشه اجتماعی در فرانسه در سال‌های درماندگی از ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰، ه. استیوارت هیوز، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران: چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۲۸
27. Ideareal

نام دارد. در این جا نویسنده عنوان می‌کند که در رمان‌های جویس، عناصر کلاسیک مسیحی و افسانه‌های عبری برای آفرینش اسطوره‌ای جهان به هم پیوند می‌خورد. جیمز جویس (۱۹۴۱ - ۱۸۸۲) داستان‌نویس مشهور ایرلندی بود که در چیره‌دستی‌های لفظی خویش همواره یونگ را مد نظر داشت و داستان‌های وی - به دلیل درهم‌آمیزی اسطوره و واقعیت، و قائل شدن به اسطوره‌های مشترک فیما بین اقوام و ملت‌های مختلف - همواره مورد توجه مورخان قرار می‌گرفت.

نویسنده در تألیف کتاب خویش از صد اثر بهره گرفته که در بخش کتاب‌شناسی می‌توان بدانها دست یافت. از جمله این آثار عناوین زیر حائز اهمیت‌اند:

- زایش تراژدی (نیچه)؛ اسطوره دولت (ارنست کاسیرر)؛ عصر کنستانتین بزرگ (یاکوب بورکهارت)؛ بیداری فنیگان‌ها (جیمز جویس)؛ خرد مردم باستانی (فرانسیس بیکن)؛ سرزمین غربی و دیگر نوشته‌ها (تی.اس. الیوت)؛ دانش پژوهی قرون وسطی (هلن دامیکو)؛ اسطوره (هانس بلومبرگ)؛ تاریخ انقلاب فرانسه (ژوله میشله)؛ دل تاریکی (ژوزف کنراد)؛ چهره‌های فرهنگ (کارل یواخیم وینتراب)؛ قلمروهای ذهن (پیر نورا)؛ مجموعه آثار (والتر بنیامین) و...

همچنین نویسندگان بسیاری، کتاب مالی را در فهرست منابع پژوهش خویش ذکر کرده‌اند. از جمله این آثار عبارتند از: اسطوره‌های سیل در چین کهن (مارک ادوارد لویس)؛ فیلم و تاریخ (مارتین م. وینکلر)؛ نمودارهای تجلی مسیح: فرار از زندان در «اعمال رسولان» از کتاب مقدس (جان بی. ویور) اسطوره - تاریخ: برساختن یک تاریخ‌نگاری مدرن کتاب مهمی است. مورخان و منتقدان بسیاری به تحلیل آن پرداخته‌اند و نشریات معتبری درباره آن مطلب نوشته‌اند. یک مقاله خوب و فاضلانیه در نشریه سازمان تاریخ‌نگاران آمریکا - منتشره در انتشارات دانشگاه ایلینویز - به چاپ رسیده و یک نقد علمی مفید نیز در مجله Jstor قابل دستیابی است.

پی‌نوشت

1. Webster's New collegiate Dictionary . M.A.,G8C. Merriam Co. 1975.
۲. رضایی، عرب علی. واژگان توصیفی ادبیات (انگلیسی - فارسی)، فرهنگ معاصر، تهران: چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۲۱۷.
۳. Mythos که Myth به معنای «اسطوره» از آن اخذ شده است.
۴. مقدادی، بهرام. فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی از افلاطون تا عصر حاضر، انتشارات